

برای پایان دادن به قهر مردم با صندوق‌های رای، یک انتخابات کافی نیست

علی باقری، عضو شورای مرکزی حزب
توسعه ملی از انتخابات آینده اصلاح‌گری
و رادیکالیسم می‌گوید

نیازمند نوآوری در اصلاح‌گری هستیم

نوآوری‌های تازه در اصلاح‌گری مورد نیاز است

مهدی بیگ‌اوغلی

«آیا ادامه روند اصلاح‌جویی و اصلاح‌گری در جامعه امکان‌پذیر است؟» این پرسش به خصوص پس از رخداد‌های اعتراضی بعد از فوت مهسا امینی به یکی از محوری‌ترین بحث‌های سیاسی در کشور بدل شده است. علی باقری رییس دفتر سیاسی حزب توسعه ملی و عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان معتقد است با توجه به رویکردهایی که تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران در بخش‌های مختلف دنبال می‌کنند، این گزاره با تردیدهایی همراه است. باقری البته به این نکته اشاره می‌کند که اصلاح‌طلبان نباید نسبت به ضرورت یافتن شیوه‌های نوین اصلاح‌گری ناامید شده و میدان را کاملاً در اختیار رادیکال‌های جناح راست قرار دهند. این فعال اصلاح‌طلب با اشاره به اینکه تا پیش از این مرسوم‌ترین شیوه جریان اصلاح‌گری در کشور، تکیه بر یک جریان پارلمان‌تاریستی انتخابات‌محور بوده است، می‌گوید: «هرچند این شیوه‌ها طی سال‌های اخیر با بن‌بست‌های جدی مواجه شده‌اند اما شاید بتوان همچنان این شیوه‌ها را در کنار شیوه‌های جدید که همراه با شجاعت و ایده‌پردازی‌های خلاقانه‌تر است، امتحان کرد.»

هربار که نشست‌های احزاب اصلاح‌طلب و میان‌ه‌رو برگزار می‌شود، این پرسش کلی شکل می‌گیرد که آیا زمینه برای اصلاح‌گری و اصلاح‌طلبی در نظام حکمرانی وجود دارد یا نه؟ پاسخ شما به این ابهام چیست؟

بله، سومین کنگره حزب توسعه ملی پس از وقفه‌ای سه ماهه، پنجشنبه هفته گذشته برگزار شد؛ البته کنگره حزب قرار بود در اسفندماه 1401 برگزار شود که با ممانعت‌هایی به تاخیر افتاد. نهایتاً کنگره برگزار شد و برنامه‌ریزی برای انتخابات شورای مرکزی و داوری انجام شد. درخصوص چارچوب‌های فکری و نظری حزب طی سال‌های اخیر، باید به موضوع اصلاح‌طلبی و ادامه حرکت اصلاح‌جویی در جامعه اشاره کرد. طی سال‌های اخیر به دلیل موانعی که برای پیشبرد جریان اصلاحی به وجود آمده، ابهاماتی حتی در سطح تئوریک و نظری ایجاد شده که اساساً آیا ادامه روند اصلاح‌جویی و اصلاح‌گری در جامعه امکان‌پذیر است یا نه؟

ذیل این پرسش کلی، به هر حال قرائت‌ها و برداشت‌های مختلفی از مقوله اصلاح‌گری و اصلاح‌جویی در جامعه مطرح شده است. به خصوص طی 9 ماه اخیر و پس از رخداد‌های اعتراضی پس از فوت مهسا امینی از بطن جامعه، گونه‌های متفاوتی از بهبودخواهی به منصف ظهور رسیده که این شیوه‌ها تا پیش از این کمتر مورد توجه و استفاده قرار می‌گرفتند اما از 9 ماه قبل این رویکردها جدی‌تر مطرح شدند. اما در اینکه آیا این شیوه‌های جدید اصلاح‌گری اثرگذار هستند یا نه، تردیدهایی وجود دارد.

حزب متبوع شما درخصوص این شیوه‌های اصلاح‌گری چه نظری دارد؟ آیا دوران اصلاح‌طلبی را باید پایان‌یافته تلقی کنیم؟

حزب توسعه همچنان معتقد است اصلاح‌گری و اصلاح‌جویی، کم‌هزینه‌ترین و مناسب‌ترین راه برای پیشبرد مطالبات جامعه است. ما به اصلاحات هم به عنوان استراتژی و هم تاکتیک اعتقاد داریم. البته چشم بر تنگناها، بن‌بست‌ها و موانع برخی شیوه‌های اصلاح‌طلبی در سال‌های گذشته نمی‌بندیم. شیوه‌هایی که به قول سیدمحمد خاتمی با صخره سخت و ستبر برخورد کرده است.

آیا جریان اصلاحات برای مقابله با این صخره‌های ستبر و سخت راهبردی دارد؟

برای مقابله با این موانع، 2 واکنش متفاوت را می‌توان در پیش گرفت. نخست اینکه مشکل برخورد با صخره‌های سخت را از ماهیت حرکت اصلاح‌جویی دید و به تجدیدنظرطلبی در اصلاحات رسید. به عبارت روشن‌تر، این اعتقاد در میان اصلاح‌طلبان شکل بگیرد که مشکل اصلی در اصلاح‌گری است و می‌بایست فاز حرکت را از اساس تغییر داد. در واقع از مسیر اصلاح‌جویی به سمت شیوه‌های دیگری چون انقلابی‌گری یا متمایل به انقلابی‌گری و... تغییر مسیر داد. واکنش دوم که حزب متبوع من

بیشتر به دنبال آن است بر این پایه استوار است که مشکل از منطق اصلاح‌طلبی نیست و همچنان این رویکرد کم‌هزینه‌ترین و مطمئن‌ترین شیوه پیگیری مطالبات مردم به شمار می‌رود. اما اصلاح‌طلبان در مواجهه با این موانع و بن‌بست‌ها باید به دنبال انتخاب روش‌های جدید اصلاح‌طلبی باشند.

در واقع این شیوه‌های نوین اصلاح‌طلبی می‌توانند با وفاداری به منطق و گفتمان اصلاح‌طلبی، راه‌های بسته را بگشایند.

اما چرا اصلاح‌طلبان قبلاً یک چنین شیوه‌های جدیدی را نیازموده و گره‌های بسته را باز نکردند؟

اگر دوم خرداد 76 را به عنوان آغاز عصر جدید اصلاح‌طلبی در کشور در نظر بگیریم باید بگوییم که همه شیوه‌های اصلاح‌گری در این بازه زمانی امتحان نشده‌اند. می‌توان در فاز انتخاب شیوه‌ها به رویکردهای جدید فکر کرد؛ شیوه‌هایی که بتواند مطالبات جامعه را به مراکز تصمیم‌ساز و سیاست‌گذاران منتقل کرده و آنها را در جریان واقعیات جامعه قرار دهند. ضمن اینکه شیوه‌های گذشته همچنان می‌توانند مورد توجه باشند. مرسوم‌ترین شیوه جریان اصلاح‌گری در کشور، تکیه بر یک جریان پارلمان‌تاریستی انتخابات‌محور بوده است، هرچند این شیوه‌ها طی سال‌های اخیر با بن‌بست‌های جدی مواجه شده‌اند اما شاید بتوان همچنان این شیوه‌ها را در کنار شیوه‌های جدید که همراه با شجاعت و ایده‌پردازی‌های خلاقانه‌تر است، امتحان کرد. در واقع نوآوری‌های تازه در اصلاح‌طلبی در کنار شیوه‌های مطلوب گذشته می‌تواند تصویر تازه‌ای از جریان اصلاح‌طلبی پیش روی جامعه و نسل جوان ایجاد کند. برای این منظور لازم است که ما اصلاح‌طلبان در این زمینه بیشتر فکر کرده، تولید محتوا کنیم. تولید گفتار، گفتمان و ابداع روش‌های جدید داشته باشیم. این مطالبه بحق جامعه از اصلاح‌طلبان است. گلیه جامعه و نسل جوان هم درخصوص کم‌کاری از اصلاح‌طلبی هم بحق است و باید آنها را شنید و در مسیر بهبود حرکت کرد.

در شرایطی شما از واژه «گلیه» جامعه نسبت به اصلاح‌طلبی صحبت می‌کنید که برخی تحلیل‌گران معتقدند جامعه به مرحله «عبور» از اصلاح‌طلبی (و البته اصولگرایی) رسیده است. آیا اصلاحات همچنان می‌تواند توجه جامعه را به خود جلب کند؟

ما همچنان معتقدیم ایراد کار از اصل گفتمان اصلاحات نیست، این گفتمان همچنان می‌تواند کار کند، جواب بدهد و به پیش برود. فراموش نکنید در ماجرای رخدادهای اعتراضی پس از فوت مهسا امینی برخی جریان‌ات متفاوت از اصلاحات (براندازان) وارد میدان شده، حرف‌هایی زدند و انتقادات جدی به اصلاح‌طلبان وارد ساختند، راه‌هایی به جامعه ارائه کرده و مدعی شدند با این راهکارها می‌توان از چالش‌ها عبور

کرد، اما امروز با گذشت 9 ماه از آن رخدادها، مشخص شده که این وعده‌ها امکان تحقق پیدا نکرده‌اند. با فروکش کردن دیگ جوشان اعتراضات و شکل‌گیری فضای منطقی‌تر در جامعه می‌توان گفت شیوه‌های بدیل اصلاح‌طلبی که به جامعه معرفی می‌شد و در حکم باطل‌السحر شرایط سکون و بن‌بست کشور معرفی می‌شدند، چندان کاربردی نبوده و نیستند. با ارزیابی همین شیوه‌ها می‌توان نگاهی به سمت آینده طراحی کرد و دید از چه طریقی می‌توان مطالبات مردم را محقق کرد.

اما شما در شرایطی از ضرورت اصلاح‌گری و در دورنمای آینده صحبت می‌کنید که بسیاری از بزرگان کشور این روزها درخصوص تضعیف جمهوریت نظام فریاد نگرانی سر داده‌اند. اخیراً سیدمحمد خاتمی پیامی در کنگره حزب توسعه ملی درباره تلاش برخی جریان‌ها برای تبدیل جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی ارسال کرده. واقعا در شرایطی که برخی جریان‌ها صاحب قدرت به استحاله جمهوریت نظام فکر می‌کنند، می‌توان درباره اصلاحات و اصلاح‌گری و انتخابات صحبت کرد؟

اگر سید محمد خاتمی را به عنوان نماد مناسبی برای سنجش نقض جریان اصلاحی در نظر بگیریم، ایشان از 22 بهمن سال 1401 تا به امروز بارها، پیام‌های هشدارآمیز داده‌اند تا توجه جامعه و افکار عمومی را به خطرات پیش روی کشور جلب کنند. معتقدم سید محمد خاتمی این روزها هم شفاف‌تر با مردم صحبت می‌کند و هم دیدگاه‌های استراتژیکی به زبان آورده و به عنوان يك خط مستمر ترسیم می‌کنند. در واقع ایشان در حال معرفی چارچوب‌های اصلاح‌طلبی در عرصه عمومی است. این حرکت بسیار مهمی است و برآمده از مخاطراتی است که در شرایط فعلی، کشور با آن دست به گریبان است. یکی از دلایل واضح این فعالیت‌های گسترده، افزایش خطرات درونی در کشور است. اعتراضات سال قبل به عنوان يك بیدار باش و آینده‌ای است که حاکمیت مشکلات خود را در آن دید. اقشاری که خواستار تغییر رفتار حاکمیت بودند به صحنه آمدند و مطالبات خود را نمایان کردند. تلاش‌های سید محمد خاتمی بی‌تاثیر از این وقایع نیست. در کنار این موارد، خاتمی بیش از گذشته درصدد بیان و روشن کردن چارچوب‌های اصلاحی مدنظر خود هستند.

منظور شما این است که چارچوب‌های جدیدی ازسوی اصلاحات مطرح شده است؟ این گزاره‌ها را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟

بنیان‌های این گفتمان جدید را در چند اصل می‌توان خلاصه کرد. خاتمی از يك طرف تأکید بر امکان‌پذیر نبودن براندازی و حرکت‌های خشن براندازانه دارد. ازسوی دیگر براندازی را هرچند ممکن نمی‌دانند، مفید هم نمی‌دانند. یعنی اگر اعتراضات جامعه منجر به يك حرکت همگانی برای تغییرات زیربنایی نظام سیاسی شود به دلیل مختصاتی که امروز کشور در حوزه‌هایی چون تنوعات اقلیمی، قومی و

جغرافیای کشور و... برخوردار است، حرکتهای براندازانه زیانبار و نگرانکننده برای اصل ایران، کشور و ملت خواهد بود. سیدمحمد خاتمی همچنین حرکتی را برای تبیین «جمهوری اسلامی» به عنوان قالبی که انقلاب سال 57 با رای اکثریت مردم به آن ختم شد، آغاز کرده است. خاتمی (همراه با بسیاری از اصلاحطلبان و اساسا بسیاری از فعالان سیاسی) به این واقعیت تاکید دارد، آنچه امروز در حال اجراست با جمهوری اسلامی وعده داده شده، تفاوت‌های بسیاری دارد. خاتمی تلاش میکند مردم را متوجه اصل جمهوری اسلامی کند و فاصله نظام حکمرانی را از وعده‌های ارائه شده به مردم در سال 57 نمایان کند. اینکه خاتمی رفته‌رفته ابعاد واقعی جمهوری اسلامی ایده‌آل را (که امروز امکان تحقق نیافته) تشریح میکند، بسیار ارزشمند و مهم است. این رویکرد، جامعه را به جای کلی‌گویی‌ها و اظهارات فلسفی به حوزه اجرا و عینیت می‌برد و جامعه ایده‌آل از منظر اصلاح‌طلبی را مشخص می‌کند. واقع آن است که نسل‌های جوان و نوپای کشور، پرسش‌های جدید در خصوص چیستی جمهوریت و اسلامیت دارد و خاتمی تلاش می‌کند صراحتا به این ابهامات پاسخ دهد. از این طریق هم فاصله نظام حکمرانی فعلی با واقعیت‌های جمهوری اسلامی مشخص می‌شود و هم تصویری از چشم‌اندازی که باید به سمت آن حرکت کرد، پدیدار می‌شود. در صورتی که بدون جریان اصلاح‌طلبی با این گفتمان‌سازی‌های تازه همراهی کند، می‌توان دورنمای مطلوبی از آینده را تصویرسازی کرد.

اما نسل‌های جوان چطور می‌توانند به اصلاح‌گری امید داشته باشند؟

در شرایط 27 خرداد 1402 که من و شما صحبت می‌کنیم باید بگویم که خیر. شرایط و افقی که وجود دارد نویددهنده افزایش مشارکت نیست. اما به هر حال کنشگران سیاسی و در نقطه مقابل حاکمیت بالاخره باید تلاش برای بهتر شدن امور را از جایی آغاز کنند. اگر فرض این باشد که مردم اقبالی به انتخابات آینده نشان نمی‌دهند، ما به عنوان فعال سیاسی، فعال رسانه‌ای، فعال حزبی و... باید تلاش کنیم، حتی از کوچک‌ترین منافذ برای پیگیری مطالبات مردم استفاده کنیم. اینکه جامعه چه جوابی به این تلاش‌ها می‌دهد، بحث ثانویه است.

آیا يك انتخابات برای افزایش مشارکت‌ها کفایت می‌کند. یعنی حتی اگر بر فرض محال شورای نگهبان، نگاه متفاوتی به بحث احراز صلاحیت‌ها داشته باشد و سیاست‌گذاری‌های انتخاباتی تغییر کند و... آیا مردم مجاب به حضور در انتخابات می‌شوند؟

برای پایان دادن به قهر مردم با صندوق‌های رای، يك انتخابات کافی نیست و بیشتر از يك انتخابات زمان نیاز است. اما می‌توان این تلاش را برای کمتر کردن کدورت‌ها و عقب‌نشینی‌ها داشت و امیدوار بود آرام‌آرام بخشی از اطمینان از دست رفته باز گردد. مردم سوالات

بسیاری دارند که باید به آنها پاسخ داده شود. اما طرحی که مجلس در خصوص انتخابات دنبال می‌کند و در سه‌ضلعی مجلس، مجمع تشخیص و شورای نگهبان در حال دست به دست شدن است، نشان می‌دهد که اراده‌ای برای اصلاح وجود ندارد. مجلس مدت‌هاست وقت خود را صرف نقشه راهی کرده که رویکرد انقباضی انتخابات را تقویت می‌کند. در بحث صلاحیت‌ها به عنوان یکی از پاشنه‌آشیل‌های انتخابات، نمایندگان دامنه نظارت استصوابی شورای نگهبان را تا پاشنه درب مجلس (و حتی پس از آن) تعمیم و گسترش می‌دهد. نه فقط در خصوص انتخابات مجلس بلکه همان‌طور که شما اشاره کردید در خصوص انتخاب یک سرمربی برای تیم فوتبال یا گزینش‌های صنفی و مدنی هم این نظارت‌ها در حال گسترش است. مسوولان هرچند در کلام، حرف‌های درگوشی و... پالسه‌های مثبتی می‌فرستند اما همه می‌دانیم برای اصلاح به گزاره‌های بیش از حرف نیاز است.

این گزاره‌ها برای شکل‌گیری یک انتخابات استاندارد چه مواردی هستند؟

چند اصل باید زودتر اصلاح شوند. یکی دامنه و بازه پذیرش کنشگران انتخاباتی است. اینکه چه کسانی می‌توانند به این عرصه وارد شوند و کدام نه و آیا ما می‌خواهیم انتخاباتی در استان‌دارد انتخابات اول مجلس شورای اسلامی برگزار کنیم یا انتخاباتی در حد شکل‌گیری مجلس یازدهم. هر دوی این انتخابات ذیل نظام جمهوری اسلامی برگزار شده است. اما دو الگوی متفاوت است. مردم و فعالان سیاسی، مجلسی به قوت مجلس اول می‌خواهند که همه نحله‌ها و گروه‌های اثرگذار کشور در آن به اندازه سهم خود حضور داشتند، اما برخی افراد و جریان‌ها به خاطر منافعشان مجلس یازدهم را ترجیح می‌دهند. اگر دامنه حضور کنشگران بسته شود، مجلسی در حد و اندازه مجلس یازدهم خواهیم داشت که مردم امروز دغدغه‌ها و سطح آن را می‌بینند. این روند در خصوص مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و... هم همین‌گونه است. شاید قهر جامعه با یک انتخابات کاملاً شکسته نشود، اما اگر این خط اصلاحی تداوم داشته باشد، به دویار قطور قهر جامعه ترك می‌افتد و آرام آرام این قهر فرو می‌ریزد و زمینه مشارکت فراهم می‌شود.

موضوع دیگری که بسیاری از تحلیلگران و فعالان سیاسی به آن اشاره می‌کنند، خالی شدن برخی نهادها و ساختارها از فلسفه وجودی خود است. مردم احساس می‌کنند نطفه تصمیم‌سازی‌ها در سایر نهادهای موازی با نهادهای انتخاباتی بسته می‌شود، بنابراین دلیلی برای حضور در انتخابات نمی‌بینند.

اگر مجلسی با نمایندگان واقعی مردم شکل گرفت، این مجلس به عنوان مقنن یونیک و واحد در کشور در راس امور قرار می‌گیرد. این مجلس است که مصوباتی خواهد داشت که اثر وضعی در کشور به جای می‌گذارد.

همین دو اصل یعنی یکی زمینه‌سازی برای حضور نمایندگان واقعی مردم و مهم‌تر از آن قرار دادن ساختارها در جایگاه واقعی خود، باعث افزایش میزان مشارکت در همه بخش‌های جامعه (از جمله انتخابات) خواهد شد.

گلایه جامعه و نسل جوان هم درخصوص کم‌کاری از اصلاح‌طلبی هم بحق است و باید آنها را شنید و در مسیر بهبود حرکت کرد. سید محمد خاتمی در حال معرفی چارچوب‌های اصلاح‌طلبی در عرصه عمومی است.

دو اصل یعنی یکی زمینه‌سازی برای حضور نمایندگان واقعی مردم و مهم‌تر از آن قرار دادن ساختارها در جایگاه واقعی خود، باعث افزایش میزان مشارکت در همه بخش‌های جامعه (از جمله انتخابات) خواهد شد.

آیا ما می‌خواهیم انتخاباتی در استان‌دارد انتخابات اول مجلس شورای اسلامی برگزار کنیم یا انتخاباتی در حد شکل‌گیری مجلس یازدهم؟ هر دوی این انتخابات ذیل نظام جمهوری اسلامی برگزار شده است. اما دو الگوی متفاوت است.

طرحی که مجلس درخصوص انتخابات دنبال می‌کند و در سه ضلعی مجلس، مجمع تشخیص و شورای نگهبان در حال دست به دست شدن است، نشان می‌دهد که اراده‌ای برای اصلاح وجود ندارد.

حرکت‌های براندازنه زیان‌بار و نگران‌کننده برای اصل ایران، کشور و ملت خواهد بود.